

## شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان بغض آینه اثر سیدمهدی شجاعی

محمدحسن داودیان<sup>۱</sup>، معصومه تقوی‌قلعه‌نی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>- دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، واحد تربت حیدریه، ایران. davoodian90@gmail.com

<sup>۲</sup>- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

### چکیده

سیدمهدی شجاعی، یکی از داستان‌نویسان مشهور ایران است. او مجموعه داستانی دارد به نام «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز» که مشتمل بر هفت داستان است. بغض آینه، یکی از داستان‌های کوتاه این مجموعه است. این داستان در زمره ادبیات پایداری قرار دارد؛ چون مضمون آن، دفاع از میهن است. داستان‌های ادبیات پایداری و دفاع مقدس چنانکه باید و شاید از دیدگاه عناصر داستان‌نویسی و بویژه شخصیت و شخصیت‌پردازی بررسی نشده‌اند؛ بنابراین نیاز است با توجه به این دیدگاه‌ها نقد و بررسی شوند. هدف این مقاله، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه بغض آینه اثر سیدمهدی شجاعی است. در این تحقیق، روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و مورد مطالعه؛ داستان کوتاه بغض آینه است، سپس داده‌ها نقد و بررسی گردیده است. یافته‌ها و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توصیف اشخاص در داستان بغض آینه به هردو شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است. تنها شخصیت اصلی داستان سید است و ضدقهرمان، دشمن. سید در داستان حضور پررنگی دارد و نقش خود را به انجام می‌رساند. سید اسم ندارد که از معایب داستان به شمار می‌آید. شخصیت‌ها بیشتر از نوع ایستا و ساده هستند، نه پویا و جامع (پیچیده).

**واژه‌های کلیدی:** سیدمهدی شجاعی، داستان بغض آینه، شخصیت، شخصیت‌پردازی، ادبیات داستانی.

### ۱- مقدمه

داستان‌نویسی به شیوه و اسلوب غربی در ایران، عمر دور و درازی ندارد. همزمان با انقلاب مشروطه و باز شدن فضای فرهنگی و آشنایی ایرانیان با داستان‌های غربی و رواج صنعت چاپ، داستان‌نویسی بویژه داستان کوتاه در ایران به سرعت گسترش یافت. جمال‌زاده، صادق هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک نخستین کسانی هستند که به سبک و شیوه نویسندگان غربی داستان نوشتند. داستان کوتاه، در طول سال‌ها، به مرور زمان و به تدریج رشد کرد و بالید تا به دوران انقلاب اسلامی رسید. در این دوران مضامینی نو و جدید و اشخاصی انقلابی به داستان کوتاه افزوده شدند. با تحمیل جنگ ۸ ساله‌ای که از طرف عراق (صدام) بر ایران تحمیل شد، مضامین پایداری و مقاومت به داستان‌های کوتاه ایرانی راه یافت. با این حال، داستان‌های دوران انقلاب و بویژه داستان‌های دفاع مقدس کمتر نقد و بررسی و شناخته شده‌اند. بنابراین، شناخت و نقد اشخاص این داستان‌ها ضرورت دارد. داستان «بغض آینه» اثر سیدمهدی شجاعی، یکی از این داستان‌هاست.

### ۱-۱- بیان مسأله

تقریباً بیست و چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، جنگ از طرف عراق بر ایران تحمیل شد. حملات هوایی جنگنده‌های عراقی، روستاها و شهرهای ایران را بمباران کرد و باعث مرگ زن، مرد، پیر و جوانان ایرانی و آوارگی خانواده‌های زیادی شد. این مصائب و مسائل بر روحیه نویسندگان اثر گذاشت، به طوری که جنگ، مضمون داستان‌های آن‌ها شد. سیدمهدی شجاعی، یکی از این

نویسندگان است. جنگ که در زمره ادبیات پایداری و مقاومت قرار می‌گیرد، مضمون داستان بغض آینه اثر این نویسنده است. بنابراین، بررسی اشخاص و شخصیت‌پردازی در این داستان پایداری اهمیت ویژه‌ای دارد.

در مورد ادبیات پایداری و مقاومت آمده‌است: ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که از زشتی‌ها و فجایع بیداد داخلی، یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، با زبانی ادیبانه سخن می‌گوید، برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در زمان جنگ و یا پس از گذشت آن، به نگارش تاریخ آن می‌پردازد. (شکری، ۱۹۷۹: ۱۱-۱۰)

«ادبیات مقاومت، مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است، اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد.» (الحسین، ۱۹۷۲: ۱۲)

پرسش‌های این تحقیق بدین قرار است:

۱- اشخاص اصلی و فرعی داستان کدامند؟ ضد قهرمان کیست؟

۲- اشخاص داستان از نظر ظاهری، اجتماعی، اخلاقی و روان‌شناسی چگونه معرفی شده‌اند؟

۳- اشخاص داستان چگونه توصیف (مستقیم، غیرمستقیم) شده‌اند؟

۴- اشخاص پویا و ایستای داستان کدامند؟

۵- آیا اشخاص داستان ویژگی‌های ادبیات پایداری را دارند؟

## ۲-۱- پیشینه تحقیق

مجموعه داستان «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز» مشتمل بر هفت داستان کوتاه است. بغض آینه، یکی از داستان‌های این مجموعه است. این داستان مربوط به سال‌های دفاع مقدس است. بنابراین؛ پیشینه دور و درازی ندارد.

با جستجوهای که صورت گرفت، اثری که مستقلاً و مستقماً به موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات پایداری و دفاع مقدس ایران و بویژه داستان بغض آینه پردازد، یافت نشد. اما، حقیقت این است که مقاله‌هایی در دست است که شخصیت و شخصیت‌پردازی را در آثاری غیر از داستان بغض آینه نقد و بررسی نموده‌اند. از جمله:

- شخصیت و شخصیت‌پردازی در حدیقه سنایی، محمدامیر عبیدی نیا و میلان علی‌دلایی.

- شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان ملکوت، بیتا اسدالله‌زاده و ابراهیم ابراهیم‌تبار.

- تأملی در پیرنگ و شخصیت‌پردازی تهران مخوف، میرجلیل اکرمی و محمد پاشایی.

- شخصیت‌پردازی در رمان همسایه‌ها، محمدعلی آتش‌سودا و امید حریری‌چهرمی، و مواردی از این قبیل.

هدف این مقاله، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه بغض آینه اثر سیدمهدی شجاعی است.

## ۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

تاریخ ایران نشان می‌دهد که میهن ما از دیرباز مورد تاخت و تاز و هجوم بیگانگان بوده‌است. اما دلاوران ایرانی همواره به دفاع از کشور خود برخاسته و جانفشانی‌ها کرده‌اند. این وقایع - چه به صورت نظم و چه داستان - ضبط شده و در ذهن‌ها مانده‌است. اشخاص این وقایع به داستان‌ها راه یافته‌اند و گاهی به کمک تخیل و شخصیت‌پردازی نویسنده، حتی از شخصیت اصلی ماندگارتر شده‌اند. پس شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان نویسی اهمیت زیادی دارد.

شخصیت‌پردازی مانند نورافکنی است که بر توجه و علاقه خواننده به یک شخصیت و واکنش عاطفی او به آن شخصیت پرتو می‌افکند. اهمیت وجود شخصیت‌هاست که به داستان جان می‌بخشد. اگر شخصیت‌ها باور کردنی تصویر نشوند و زنده و ملموس نباشند، داستان فاقد نظم لازم خواهد بود. در اغلب مواقع شخصیت‌ها به قدری به یادماندنی می‌شوند که حتی ممکن است با گذشت زمان و از یاد رفتن نام نویسنده و طرح داستان همچنان باقی بمانند. از آن جمله می‌توان از «شرلوک هولمز» اثر کنان دوئل و «الیور توئیست» اثر چارلز دیکنز نام برد که

شخصیت‌هایی جاودانه شده‌اند. هر شخصیتی در داستان باید واقعی و دارای احساسات و ادراکات انسانی معمول باشد. هدف واقعی شخصیت‌پردازی آن است که خواننده را وادارد تا احساسی قوی نسبت به فردی پیدا کند که شخصیت او پرورنده می‌شود. (ن. ک. یافا، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷)

به هر حال، با توجه به اهمیت ادبیات پایداری و این که شخصیت از مهم‌ترین عناصر داستانی است، بنابراین؛ ضروری است که شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های معاصر و بویژه داستان‌های دفاع مقدس بررسی گردد. داستان کوتاه بغض آینه اثر سیدمهدی شجاعی، یکی از این داستان‌هاست که تاکنون بررسی نشده‌است؛ بنابراین نیاز است تا از دیدگاه شخصیت و شخصیت‌پردازی نقد و بررسی شود.

#### ۱-۴- روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و مورد مطالعه؛ داستان کوتاه بغض آینه است. در این پژوهش ملاک کار، هنرهای داستان‌نویسی و اختصاصاً شخصیت و شخصیت‌پردازی است. تعاریف و مفاهیم شخصیت، شخصیت‌پردازی، شخصیت ایستا و پویا، انواع شخصیت‌پردازی (مستقیم و غیر مستقیم) و ویژگی‌های اشخاص بیان گردیده و مثال‌هایی برای هر مورد از داستان بغض آینه ارائه، نقد و بررسی شده‌است.

#### ۲- بحث: اشخاص داستان بغض آینه

##### ۲-۱- خلاصه داستان

سید، حدود یک سالی بود که در یک شهر جنگی به عنوان روحانی خدمت می‌کرد. او خود را چنان در دل مردم جا کرده بود که همه مردم شهر به او احترام می‌گذاشتند. سخنران مجالس مذهبی بود. در عزاداری‌ها، خاک‌سپاری شهدا و همچنین مجالس عروسی مردم حضور داشت. هر کس به جبهه می‌خواست برود، سید او را از زیر قران رد می‌کرد و در هر حالی به امور مردم می‌پرداخت.

سید، یک هفته قبل از این که حادثه‌ای برایش اتفاق بیفتد، خانواده‌اش را به شهر محل مأموریتش آورد. بعد از چند روز از اقامت آن‌ها، موشک دشمن به خانه او اصابت کرد و اعضای خانواده‌اش در آن حادثه شهید شدند. مردم برای ابراز همدردی با سید، برای خاک‌سپاری خانواده او آمدند. سید سخنرانی می‌کرد. او قبلاً فقط مردها را به صبر و مقاومت در برابر دشمن فرامی‌خواند، اما حالا، زن‌ها، بچه‌ها و همه را به مقاومت فرامی‌خواند.

##### ۲-۲- تعریف شخصیت و شخصیت‌پردازی:

اشخاص ساخته شده‌ای (مخلوقی) را که در داستان ظاهر می‌شود، شخصیت می‌نامند. مخلوق ذهن نویسنده ممکن است همیشه انسان نباشد و حیوان و شیء و چیز دیگری را نیز شامل شود. شخصیت، در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آن چه می‌گوید و می‌کند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان یا نمایش‌نامه و فیلم‌نامه تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می‌کند، شخصیت‌پردازی می‌خوانند. (ن. ک. میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۱۹۹)

#### ۲-۳- معرفی اشخاص داستان و ویژگی‌هایشان:

##### ۲-۳-۱- شخصیت اصلی:

«فردی را که در مرکز داستان کوتاه و رمان یا نمایش‌نامه و فیلم‌نامه قرار می‌گیرد و نویسنده سعی می‌کند که توجه خواننده یا بیننده را به او جلب کند، شخصیت اصلی یا شخصیت محوری یا شخصیت اول یا شخصیت مرکزی می‌گویند.» (همان: ۲۰۰) سید، شخصیت اصلی، در داستان بغض آینه است. سید مهدی شجاعی، ویژگی‌های ظاهری این شخصیت را چنین بیان می‌کند:

«سید یک رشته عمامه سیاهش را باز کرده و به دور گردن انداخته‌است، اشکی که از شیارهای صورت و ریش سپیدش می‌گذرد، بر تپش عمامه اش فرو می‌نشیند.» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۳) عمامه سیاه و ریش سفید نشان می‌دهد که قهرمان داستان، از نظر شغلی، روحانی و از نظر

سَنی، پیرمرد است. بیان این ویژگی‌ها از محاسن این داستان است، اما سید مهدی شجاعی بهتر بود به دیگر ویژگی‌های ظاهری قهرمان داستان از قبیل رنگ چشم، قد، چاقی یا لاغری و... می‌پرداخت. انتخاب یک روحانی به عنوان قهرمان برای داستان‌های پایداری انتخاب مناسبی است، چون این شخصیت در داستان بغض آینه، در سخنرانی‌هایش، مردم را به مقاومت و پایداری در برابر دشمن متجاوز، دعوت می‌کند. داستان نویس، به حالات روحی سید، قهرمان داستان، هم توجه دارد و بخوبی خصلت رهبری قهرمان را به خواننده القا می‌کند:

«اشک و عرق جمعیت به هم می‌آمیزد و سرخی آفتاب همراه باد گرم غروب، گونه‌ها را گلگون تر می‌کند. سید، بغض آلوده از مردم می‌خواهد که بنشینند. جمعیت آرام آرام می‌نشینند اما صدای ناله و ضجه هر لحظه بیشتر به هوا بر می‌خیزد. قبرستان هیچ گاه چنین جمعیتی به خود ندیده‌است. سید بر بلندی خاک و سنگ و آجر جابه‌جا می‌شود، اشک‌هایش را با دستمال سفیدش می‌سترد و شروع به صحبت می‌کند.» (همان: ۹۴)

«صدای ضجه جمعیت هر لحظه بیشتر می‌شود. سید قدری آرام گرفته‌است، اما ناله جمعیت به او مجال سخن گفتن نمی‌دهد. در قبرستان کسی ایستاده نمانده‌است. جز پرچم‌ها که در سرخی غروب، به صورت باد دست نوازش می‌کشد.» (همان: ۹۵)

«شیون جمعیت قبرستان را می‌لرزاند. انگار شهیدان هم درون قبرها و قاب عکس‌ها ضجه می‌زنند.» (همان: ۹۸)

در این صحنه‌ها، سید بغض آلود است و در پشت اندوه بزرگی که دارد، می‌خواهد مثل گذشته، خود را آرام و با صلابت نشان دهد. ویژگی‌های اجتماعی قهرمان داستان نیز از چشم نویسنده پنهان نمانده‌است:

از ابتدای ورود سید به شهر -یک سال پیش- هرگاه مصیبتی جگرها را می‌خراشید، هرگاه موشک کینه دشمن محله‌ای را به ویرانی می‌کشید، هرگاه جنازه شهیدی به شهر برمی‌گشت، هرگاه داغ بر دل فرزندی، پدری، همسری، خانواده‌ای می‌نشست، سخنرانی سید، ذکر مصیبت سید، وعظ و نصیحت سید، تبریک و تسلیت سید و به خصوص «لا حول» سید، قلب‌ها را آرامش و اطمینان می‌داد. (همان: ۹۵)

سید، روحانی شهر، شخصیتی مذهبی دارد و مورد احترام مردم شهر است. در مراسم عروسی، عزا و ... حضور دارد. به عنوان مثال؛ هرکس می‌خواهد به جنگ برود، سید او را از زیر قرآن رد می‌کند. سید، شخصیتی مذهبی است که در اکثر مواقع مایه دلگرمی مردم شهرش است و راهنما و رهبر آن‌ها است و مردم به او اعتماد و اعتقاد کامل دارند.

**۲-۳-۲- ضد قهرمان:** شخصیتی است که رقیب یا حریف قهرمان؛ دشمن یا تبهکار باشد. (ن.ک: بلکر، ۱۳۸۹: ۹). در این داستان؛ ضد قهرمان، دشمن اشغالگر است که بی مهابا بر سر مردم ایران موشک می‌بارد و امنیت و آسایش را از آنان ربوده است. مردم سید را از زمان فرود اولین موشک به شهر -یک سال پیش- دیده‌اند. در اولین منبرش در همین قبرستان گفته بود: وقتی شنیدم دشمن، شما مردم عادی کوچه و خیابان را زیر آتش گرفته‌است، حيله دشمن را فهمیدم و ردالت او را بیش از پیش دریافتم. با خودم گفتم هم اکنون ماندن در شهر واجب کفایی است و اصل‌ترین نوع مبارزه است. اگر شهر خالی شود، پشت بچه‌های جبهه خالی می‌شود... (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۶) «موشک دشمن هر ساعت از شب و روز که فرود می‌آمده، حضور بی‌درنگ سید بوده که دل‌ها را آرامش می‌بخشیده و جگرها را تسکین می‌داده‌است.» (همان: ۹۷) در این صحنه‌ها، چهره واقعی دشمن بخوبی ترسیم شده‌است. او اشغالگر، بی‌رحم و غاصب است و به مردم عادی و کودکان رحم نمی‌کند.

**۲-۳-۳- شخصیت فرعی:** «به آدم‌هایی که بار اصلی داستان را بر دوش ندارند و در کنار رویدادها در حرکتند و بیشتر برای آشکار شدن شخصیت اصلی، در داستان حضور پیدا می‌کنند، اشخاص فرعی می‌گویند. (مهدی پورعمرانی، ۱۳۸۶: ۱۲۷؛ اسماعیل‌لو، ۱۳۸۴: ۷۱)»

در این داستان اشخاص فرعی، گروهی از مردم شهر هستند که برای همدردی و عزاداری به خاطر شهادت خانواده سید به قبرستان آمده‌اند و با گریه به سخنان سید گوش می‌دهند.

«سید به روی بلندی می‌نشیند و شروع می‌کند به های‌های گریه کردن، پیش از او هوار وضجه جمعیت راهی آسمان شده‌است. سید از سوئی دست می‌تکاند برای جمعیت که آرامشان کند و از سوئی گریه به خودش مجال سخن گفتن نمی‌دهد.» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۳)

"شیون جمعیت قبرستان را می‌لرزاند. انگار شهیدان هم درون قبرها و قاب عکس‌ها ضجه می‌زنند." (همان: ۹۸)

اشخاص فرعی داستان بغض آینه که همان مردم هستند، در داستان حضور دارند. مشغول گریه کردن هستند و اظهار همدردی با قهرمان داستان می‌کنند. در صحنه‌های داستان هم حضور دارند که از برجستگی‌های داستان به شمار می‌آید اما آن چنانکه باید و شاید برای معرفی قهرمان داستان مؤثر نیستند و حتی اسم ندارند.

## ۲-۳-۴- اشخاص از لحاظ تغییر و تحول

### ۲-۳-۴-۱- شخصیت ایستا

«شخصیتی در داستان است که تغییر نکند یا تغییر اندکی بپذیرد. به عبارت دیگر، در پایان داستان همان باشد که در آغاز بوده‌است و حوادث داستان بر او تأثیر نکند یا اگر تأثیر بکند، چشمگیر نباشد. قصه‌ها چه کوتاه و چه بلند، عموماً شخصیت‌های ایستایی دارند.» (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

شخصیت‌های فرعی داستان، مردم شهر هستند. آن‌ها شخصیت‌های ایستایی هستند چون فقط به سخنان سید گوش فرامی‌دهند و گریه می‌کنند. اشک و عرق جمعیت به هم می‌آمیزد و سرخی آفتاب همراه باد گرم غروب، گونه‌ها را گلگون‌تر می‌کند. سید، بغض آلوده از مردم می‌خواهد که بنشینند. جمعیت آرام آرام می‌نشینند اما صدای ناله و ضجه هر لحظه بیشتر به هوا برمی‌خیزد. قبرستان هیچ‌گاه چنین جمعیتی به خود ندیده‌است. سید بر بلندی خاک و سنگ و آجر جابه‌جا می‌شود، اشک‌هایش را با دستمال سفیدش می‌سترد و شروع به صحبت می‌کند. (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۴)

### ۲-۳-۴-۲- شخصیت پویا

شخصیتی است که در طول داستان، دستخوش تغییر و تحول شود و جنبه‌ای از شخصیت او، عقاید و جهان بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او تغییر کند. این دگرگونی ممکن است عمیق باشد یا سطحی، پدیده باشد یا محدود؛ ممکن است در جهت ساختن شخصیت عمل کند یا در ویران شدن او، یعنی در جهت متعالی‌کردنش پیش برود یا در زمینه تباهی‌اش؛ این تغییر اساسی و مهم است و تغییری نیست که مثلاً در سرماخوردگی در حال و وضع آدم ظاهر شود یا در لحظه‌ای حالت و عقیده شخص را تغییر دهد. ... تغییرات و تحولات باید این سه شرط را داشته باشد:

۱- در حد امکانات آن شخصیتی باشد که این تغییرات را موجب می‌شود.

۲- به حد کافی معلول اوضاع و احوالی باشد که شخصیت در آن قرار می‌گیرد.

۳- باید زمانی کافی وجود داشته باشد تا آن تغییرات به تناسب اهمیتش به‌طور باورکردنی اتفاق بیفتد. (ن.ک: میرصادقی و

ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

در این داستان فقط یک شخصیت اصلی وجود دارد. او هم شخصیتی پویا است. سید، قهرمان داستان، یک سال است که به شهر جنگ زده آمده، ولی خانواده‌اش را با خود نیاورده‌است. او فقط مردان را به مقاومت فرامی‌خواند، اما از هنگامی که خانواده‌اش به او ملحق می‌شوند و بعد از این که موشک دشمن به خانه آن‌ها اصابت می‌کند و همه اعضای خانواده‌اش شهید می‌شوند، در مراسم خاک‌سپاری خانواده‌اش، مردم را به مقاومت و دفاع از شهر فرامی‌خواند. حتی زنان و کودکان را به مقاومت فرامی‌خواند، تا دشمن اشغالگر را از کشور بیرون کنند. پس در شخصیتش تغییر و تحولی ایجاد می‌شود.

در این یک سال، من شریک درد و غم شما بودم و با هر داغ و شهادتی همراه شما ناله کردم و شما را به صبر و استقامت خواندم. به من گفتند چرا همیشه مردان را به استقامت و مقاومت می‌خوانی؟ چرا زنان و کودکان را به ماندن و مقاومت در شهر دعوت نمی‌کنی؟ پاسخ نمی‌گفتم و پاسخ نگفتم تا اکنون. بله، من در این یک سال، مردان را به مقاومت می‌خواندم و نه زنان و کودکان را، تا هفته پیش که رفتم و زن و بچه‌هایم را هم به میهمانی شهر شما آوردم. هم اکنون که اولین موشک، نعمت شهادت را نصیب خانواده من کرد و شما به تسلای من آمدید، می‌توانم

زنان و کودکان را هم به مقاومت بخوانم. پیش از این نمی‌توانستم، مردانگی نبود که زن و بچه‌هایم در امان باشند و زن و بچه‌های شما را در زیر موشک به استقامت دعوت کنم. (شجاعی، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۸)

«مردها! زن‌ها! بچه‌ها! مقاومت کنید، خم نشوید، نشکنید، خانه آخرت را استوار کنید که ماندنی است. ذلت از آن کفار است. مؤمن باید عزیز بماند، عزیز بمانید. خدا صبورتان کند. سلام خدا بر شما.» (همان: ۹۹)

## ۲-۴- انواع شخصیت‌پردازی

در شخصیت‌پردازی، داستان‌نویس، اشخاص را به طور مستقیم یا غیر مستقیم ارائه می‌دهد. در شیوه مستقیم، نویسنده با توضیح و تجزیه و تحلیل به ما می‌گوید که یک شخصیت شبیه چه چیزی است، یا شخصیت دیگری را در داستان می‌گمارد تا به ما بگوید که شخصیت داستان چه شباهتی دارد. در شیوه غیر مستقیم، داستان‌نویس شخصیت را به وسیله اعمالش به ما نشان می‌دهد؛ به این ترتیب، از آن چه که شخصیت داستان فکر می‌کند یا می‌گوید یا انجام می‌دهد استنباط می‌کنیم که او شبیه چه چیزی است. (ن.ک: پراین، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۴)

شجاعی، در داستان بغض آینه، از هر دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم برای شخصیت‌پردازی استفاده کرده‌است:

«سید همچنان متین و استوار و با صلابت نشسته و چشم به غروب سرخ رنگ آفتاب دوخته‌است.» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۵)

در این صحنه، قهرمان داستان، به صراحت و آشکارا معرفی شده‌است. یعنی شخصیت‌پردازی از نوع مستقیم است.

«سید به روی بلندی می‌نشیند و شروع می‌کند به های‌های گریه کردن، پیش از او هوار وضع جمعیت راهی آسمان شده‌است. سید از

سویی دست می‌تکاند برای جمعیت که آرامشان کند و از سوئی گریه به خودش مجال سخن گفتن نمی‌دهد.» (همان: ۹۳)

«سید بر بلندی خاک و سنگ و آجر جابه‌جا می‌شود، اشک‌هایش را با دستمال سفیدش می‌سترد و شروع به صحبت می‌کند.» (همان: ۹۴)

در این صحنه‌ها، شخصیت‌پردازی، از نوع غیرمستقیم است، چون اعمال قهرمان داستان به نمایش درآمده‌است.

## ۲-۵- نامگذاری شخصیت‌ها

به محض نامگذاری شخصیت‌ها، آن‌ها جان می‌گیرند. اولین و مهم‌ترین نکته این است که نام شخصیت با مکان وقوع داستان هماهنگی داشته باشد. هنگام نامگذاری شخصیت‌ها، عامل زمان نیز باید در نظر گرفته شود. نام شخصیت‌ها باید با پیشینه مذهبی آنان نیز هماهنگ باشد. گروه سنی مخاطب را نیز در نظر بگیرید. (ن.ک: یافا، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۶)

شجاعی از لفظ "سید" برای شخصیت اصلی داستان استفاده می‌کند. این نام تضادی با شخصیت قهرمان داستان که یک روحانی است ندارد. قهرمان داستان از سادات است و روحانی. عمامه دارد، مردی است مسن با ریش سفید. و بنابر شغلش سخنرانی می‌کند.

«یک نفر برای آرام کردن جمعیت فریاد می‌کشد، برای سلامتی سادات صلوات...» (شجاعی، ۱۳۹۲: ۹۵) دیگر اشخاص نام ندارند که از

موارد ضعف داستان به‌شمار می‌رود.

## نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سید مهدی شجاعی در داستان بغض آینه، به توصیف شخصیت اصلی، هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم می‌پردازد. او در این داستان فقط به یک شخصیت پرداخته که او همان شخصیت اصلی یعنی سید، قهرمان داستان است. سید مهدی شجاعی به بقیه اشخاص و ویژگی‌هایشان نپرداخته است. این اشخاص از نظر ظاهری، اجتماعی، اخلاقی و روان شناسی بخوبی معرفی نشده‌اند و پیش چشم مجسم نمی‌شوند و حتی اسم ندارند که از معایب داستان به شمار می‌آید.

سید، شخصیت محوری داستان، مردم را به مبارزه علیه دشمن (عراق)، یعنی ضد قهرمان، دعوت می‌کند و پس از این که موشک به خانه‌اش اصابت می‌کند و خانواده‌اش شهید می‌شوند این دعوت به مبارزه، شدیدتر می‌شود و او به تدریج و در طول داستان متحوّل و به شخصیتی پویا تبدیل می‌شود. شغل شخصیت اصلی متناسب با ظاهر و خلق و خوی او است و این از محاسن داستان است. این داستان در زمره ادبیات پایداری قرار دارد چون صحنه‌های بمباران‌ها، ویرانی‌ها، شهدا، عزاداری‌ها و مقاومت مردم را پیش چشم مجسم می‌نماید. پس سید مهدی شجاعی در داستان «بغض آینه» از عهده توصیف صحنه‌های پایداری برآمده است. داستان کوتاه «بغض آینه» آن چنانکه باید و شاید شناخته نشده است و می‌تواند با توجه به دیگر دیدگاه‌های ادبی بویژه عناصر داستانی نقد و بررسی شود.



## فهرست منابع

### الف) کتاب‌ها

- ۱- اسماعیل‌لو، صدیقه. (۱۳۸۴). چگونه داستان بنویسیم. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۲- آگری، لاجوس. (۱۳۸۵). فن نمایشنامه‌نویسی. چاپ دوم. ترجمه مهدی فروغ. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۳- الحسین، قصی. (۱۹۷۲). الموت و الحیاه فی شعر المقاومة. بیروت: دارالرائد العربی.
- ۴- بلکر، اروین آر. (۱۳۸۹). عناصر فیلمنامه‌نویسی. ترجمه محمد گذرآبادی. چاپ دوم. تهران: انتشارات هرمس.
- ۵- پراین، لارنس. (۱۳۸۰). ادبیات داستانی: ساختار، صدا و معنی. ترجمه حسن سلیمانی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رهنما.
- ۶- شجاعی، سید مهدی. (۱۳۹۲). دو کیبوتر، دو پنجره، یک پرواز. چاپ دهم. تهران: انتشارات کتاب نیستان.
- ۷- شکر، غالی. (۱۹۷۹). ادب المقاومة. بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- ۸- فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله پژوهشی. ویرایش دوم. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سخن.
- ۹- کارد، اورسون اسکات. (۱۳۸۷). شخصیت‌پردازی و زاویه دید در داستان. ترجمه پریسا خسروی سامانی. اهواز: نشر رشش.
- ۱۰- مهدی پورعمرانی، روح‌الله. (۱۳۸۶). آموزش داستان‌نویسی. تهران: انتشارات تیرگان.
- ۱۱- میر صادقی، جمال. (۱۳۸۲). ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان). چاپ چهارم. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۲- ..... ، ..... . (۱۳۷۶). عناصر داستان. چاپ سوم. تهران: انتشارات سخن.
- ۱۳- میر صادقی، جمال و ذوالقدر، میمنت. (۱۳۸۸). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی. ویراست دوم. چاپ دوم. تهران: نشر کتاب مهناز.
- ۱۴- یافا، مانوراما. (۱۳۸۵). چگونه برای بچه‌ها داستان بنویسیم؟ مترجم مهرداد تهرانیان راد. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).

### ب) مقاله‌ها

- ۱- آتش سودا، محمدعلی و حریری جهرمی، امید. (۱۳۸۹). «شخصیت‌پردازی در رمان همسایه‌ها». فصل‌نامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، جلد ۱، پیش شماره ۱، صص ۲۸-۹.
- ۲- اسدالله‌زاده گودرزی، بیبا و ابراهیم‌تبار، ابراهیم. (۱۳۹۲). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان ملکوت». فصل‌نامه مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، شماره ۳۱، تابستان، صص ۱۴۴-۱۱۹.
- ۳- اکرمی، میرجلیل و پاشایی، محمد. (۱۳۹۲). «تأملی در پیرنگ و شخصیت‌پردازی تهران مخوف». دو فصل‌نامه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۲۰-۱.
- ۴- عبیدی نیا، محمدمیر و علی، دلایی‌میلان. (۱۳۹۱). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در حقیقه‌سنایی». فصل‌نامه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا) دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۲۱۶-۱۹۵.